

متن پرسش

با سلام: ۱. در سال‌های اخیر در سخنرانی‌های عمومی رهبری هیچ موضع قاطع و اعتراضی از ایشان در مورد وضعیت فساد در کشور شاهد نبوده ایم. کاری ندارم که مثلاً مصلحت نبوده است یا مثلاً ایشان در جلسات خصوصی این اعتراض‌ها و به قول خودشان تشریح‌ها را مطرح کرده‌اند یا هر چیز دیگر، آنچه واضح است موضع عمومی قاطعی نداشته‌اند البته من در جایگاهی نیستم که به عملکرد ایشان اعتراضی داشته باشم چون از وضعیت کشور خبر ندارم. ۲. نهادهای نزدیک به رهبری هم نه تنها در برابر فساد موضع نمی‌گیرند بلکه معترضان را هم تخریب می‌کنند. منطق آن‌ها این است که اگر فساد بود رهبری خودش اعلام می‌کرد و حالا که رهبری سکوت کرده ما هم باید سکوت کنیم. مثلاً چند روز پیش خبرگزاری فارس مقاله‌ای کار کرد که خوارج هم در ابتدا عدالت‌خواه بوده‌اند. آن‌ها پیشاپیش جریان جوان عدالت‌خواه شکل گرفته در کشور را به عبور از رهبری در آینده متهم می‌کنند. ۳. الف) آیا این جریان در آینده یاغی خواهد شد؟ ب) آیا این استدلال که چون رهبری موضع نگرفته، ما هم باید موضع نگیریم درست است؟ شاید رهبری منتظر است تا ما موضع بگیریم تا بعد ایشان موضع بگیرد. پ) در ماجراهای خصوصی سازی، هفت تپه چند هزار میلیاردی را به ده میلیارد دادند به دو نفر جاعل رشوه دهنده، هپکو، ماشین سازی تبریز و و. همین نیروگاه شهید منتظری اصفهان خود ما را به چه قیمتی واگذار کردند؟ در ماجراهای تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی، چقدر از سرمایه‌های ارزی کشور ما را غارت کردند؟ حال چند جوان آمده‌اند و اعتراض کرده‌اند که این چه نحوه خصوصی سازی است؟ آمده‌اند و پیگیر تشکیل دادگاه این‌ها و اخبار آن هستند. واقعاً این‌ها خوارج و ضد رهبری هستند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به این‌که بنده نیز در جریان بعضی امور می‌باشم، فکر می‌کنم راه درست، همین راهی است که رهبر معظم انقلاب با سعه صدر و بصیرتی که دارند جلو می‌برند تا کشور از این بحران که عموماً ریشه در نگاه و مدیریت آقای هاشمی داشت، عبور کند. زیرا برای آباد کردن راهی نباید شهری را خراب کرد. انقلاب اسلامی هر اندازه در این شرایط که از یک طرف دشمن تلاش دارد با انواع تحریم‌ها و فتنه‌ها آن را به درد سر بیندازد و از طرف دیگر جریان‌های سیاسی که کشور را مُلک پدری خود می‌دانند، از انواع رانت‌ها برای ثروت‌اندوزی استفاده می‌کنند؛ جایگاه اصلی خود را تثبیت کند، بهتر می‌توان از این مشکلات و از این افراد عبور کرد. وقتی به گفته‌ی

آقای محسنی اژه‌ای آقای رئیس جمهور در یک مرحله با صراحت تمام بگوید اگر برادرشان را نظام قضائی جلب کرد، موضع‌گیری می‌کنند؛ باید با رئیس جمهور مقابله کرد و کشور را به هم ریخت؟ یا باید با سعه‌ی صدری که مقام معظم رهبری در اداره‌ی کشور دارند، بالاخره آقای فریدون محاکمه شود و کشور هم به هم نریزد. به صحبت‌های حاج قاسم سلیمانی آن شهید بصیر که کلیات انقلاب را از زوایای مختلف می‌شناخت در مورد مقام معظم رهبری، فکر کنید که ذیلاً خدمتتان ارسال می‌گردد. موفق باشید

شهید قاسم سلیمانی در مقدمه وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «خداوندا تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز- که جانم فدای او باد- قرارداده‌ای» سردار سلیمانی در بخش پایانی وصیت‌نامه خطاب به علما و مراجع معظم تقلید ضمن تکریم بسیار از آنان، از موضع «سربازی از برج دیده‌بانی» می‌نویسد: «من می‌دیدم که برخی خناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای موثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند - در حالی که حق واضح است، جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه، میراث امام خمینی هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار بگیرند. من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی - بازگشت به - زمان شاه ملعون هم نخواهد بود بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل بازگشت خواهد بود» فراز نخست که به آن اشاره شد استمرار ولایت فقیه در مبارزات ممتد سردار سلیمانی را بیان می‌کند و فراز پایانی «دغدغه محوری» شهید تا واپسین روزهای او را بیان می‌کند. از نظر او نه فقط آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء و محوریت ولایت فقیه است از این رو او معتقد است و در این وصیت‌نامه به آن تصریح کرده است که اگر نظام مبتنی بر ولایت فقیه آسیب ببیند حرمین در مکه و مدینه و حرمین در قدس و الخلیل از بین می‌روند. بر این اساس می‌توان گفت هیچ‌چیز در اندیشه و سیره سردار شهید سلیمانی عزیز به اهمیت و برجستگی ولایت فقیه و تبعیت مسلمانان از ولی فقیه نبوده است. تعبیر سردار سلیمانی در این وصیت‌نامه پرنکته، درباره ولایت فقیه و ولی‌امر خیلی جالب و درس‌آموز است؛ «حکیم»، «مظلوم»، «خامنه‌ای عزیز که جانم فدای او باد»، «تنها نسخه نجات‌بخش امت»، «خیمه رسول‌الله»، «والله والله والله اگر این خیمه آسیب ببیند، بیت‌الله‌الحرام آسیب می‌بیند»، «از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولی فقیه خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت»، «خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید»، «مقدس»، «این ولایت، ولایت علی‌ابن‌ابی طالب است»، «خیمه ولایت، خیمه حسین فاطمه است»، «دور آن بگردید، با همه شما هستم»، «ولایت فقیه رنگ خداست، این رنگ را بر هر رنگی ترجیح دهید»، «با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی

شرعی و علمی، عمل کنید» و «شرط اساسی احراز مسئولیت، اعتقاد حقیقی و عملی به ولایت فقیه است». هرکدام از این کلمات و عبارات، بخشی از تفکر سردار شهید را نسبت به ولایت فقیه و حضرت امام خامنه‌ای - دامت برکاته- بیان می‌کند. به‌طور خلاصه او رهبری را حکیم، محور، نعمت اعظم، خدایی، طبیب حقیقی، مطاع و در عین حال مظلوم می‌داند. اینها اعتقادات یک مدرس در یک مدرسه نیست. اینها یافته‌های یک پژوهشگر دین پژوهش نیست، اینها اعتقادات و باورهای فردی است که حدود ۴۰ سال مستقیماً با مسایل مهم در داخل و خارج کشور درگیر بوده و هر روز تجربه‌ای اندوخته و حالا در پایان یک عمر فعالیت بی‌وقفه و برای پس از شهادتش می‌گوید و راستی چه نیاز به این عبارات، در حالی که زندگی او همه این عبارات را در عمل به اثبات رسانده است؛ شهید نخواسته کار را ناتمام بگذارد و حق مطلب را وانهد. او بعنوان «شهید» گواهی داده است. اگر او فقط در دوره دنیایش این مطالب را می‌گفت، خالی از «شائبه» نبود اما حالا از آن دنیا و در حالی که هیچ تعلق به این دنیا ندارد، با ما- همه ما- سخن می‌گوید. واژه «مظلوم» در عبارات شهید سلیمانی کمی رازگونه است. البته عبارات وصیت‌نامه این واژه را تا حد زیادی توضیح داده است. از نظر او دکترین «ولایت فقیه» و «ولی فقیه زمان» آن‌طور که «حق» آن است درک و به آن «آن‌طور که حق آن است»، عمل نمی‌شود. از منظر او ولایت فقیه محور اسلام، تشیع، ایران و جهان است و همه خیرها وابسته به توجه و عمل به آن است. او در تجربه علمی و عملی خود دیده است که ولایت فقیه و امام خمینی- سلام‌الله‌علیه- و امام خامنه‌ای- دامت برکاته- کلید گشایش همه مشکلات و مرهم همه آلام است و در عین حال می‌بیند که در بخش‌های مهمی از جامعه و جهان اسلام از علما گرفته تا مسئولین کشور و تا نخبگان ایران و نخبگان جهان اسلام، مورد غفلت و کم‌توجهی قرار گرفته است. امروز همه دوستان و دشمنان به بزرگی کار و موفقیت‌های سردار شهید سلیمانی اعتراف دارند و همه می‌دانند که رمز اصلی کارهای بزرگی که او کرده و موفقیت‌های بسیار بزرگی که او به دست آورده است، عمل به نسخه‌های رهبری و رابطه عاشقانه او با ولایت فقیه بوده است. شهید در این وصیت‌نامه می‌خواهد با زبان هم به ایران و جهان اسلام بگوید کلید موفقیت‌ها تبعیت از نسخه‌های رهبری است. وقتی شهید می‌بیند به واسطه کم‌توجهی به نقش و تأثیر عظیم ولی فقیه و عدم توجه به محوریت این ودیعه الهی در حل مسایل، ایران و جهان اسلام گرفتار انواعی از مشکلات است، دردمندانه از «مظلومیت» ولی فقیه و مظلومیت حضرت امام خامنه‌ای- دامت برکاته- سخن می‌گوید.

وصیت‌نامه سردار شهید سلیمانی، تفسیر بسیار متقنی از «فراجناحی» بودن ارائه می‌دهد. بعضی فراجناحی را نفی جناح‌ها و بعضی آن را خط دیگری در مقابل جناح‌های کشور و انقلاب می‌دانند و در واقع به فراانقلاب و فرا نظام دعوت می‌کنند. وصیت‌نامه شهید سلیمانی تفسیر دیگری که بسیار هم دلنشین است، بیان می‌کند. فراجناح بودن از منظر شهید سلیمانی و وصیت‌نامه بسیار پرمحتوای او، حرکت حول محور ولایت فقیه و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است. او در وصیت‌نامه و البته در سلوک ۴۳ ساله سیاسی خود جناح‌ها را رد نکرده بلکه جناح‌گرایی را رد کرده و می‌گوید جناح‌ها باید

حول محور رهبری باشند و نه تنها با این «خیمه» اختلاف نداشته باشند بلکه باید با این اختلافات خود را مدیریت کنند. از نظر سردار شهید اعتبار هر فرد و جناح به تبعیت آن فرد یا جناح از ولایت فقیه باز می‌گردد. او ولایت فقیه را اولین اصل می‌داند و هر حرکت و اقدام فراتر از آن را انحراف می‌داند و از آن پرهیز می‌دهد. او در وصیت‌نامه خود می‌گوید جناح‌ها باید مظلومیت را از چهره ولی امر بزدایند و خود غباری بر آن نباشند. بنابراین «فراجناحی» بودن، یک رویه و مسئولیت است نه خودجناحی در برابر جناح‌ها. از منظر شهید جناح‌ها و جناحی‌ها همه باید وقتی به رهبری و نصایح و تدابیر او می‌رسند، فراجناح باشند و مبادا جناح در نزد آنان خود به یک محور تبدیل شود. از نظر شهید سلیمانی جناح‌ها باید اقدامات خود را بر مبنای چهار اصل ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی، حمایت از مردم و مقابله با دشمنان تنظیم کنند و خود را اصلی در مقابل این اصول قرار ندهند. فراجناحی از منظر سردار سلیمانی عبور جناح‌ها از خود در روز حادثه و پناه بردن همه آنان به «خیمه ولایت فقیه» است.